

دفاع دوباره کن لوچ از مردم غزه

کن لوچ، فیلمساز غیرمتعارف و متعهد انگلیسی با حمایت از جاناتان گلپیز همکار آلمانی خود، بار دیگر به حمایت از مردم جنگ زده غزه پرداخت و اعتراض خود علیه اشغال و تجاوز به فلسطینی ها را تکرار کرد.

این هنرمند ضدجنگ در گفت وگویی تازه‌ای نطق گلپیز و صحبت‌هایش در دفاع از مردم غزه و علیه دولت نتانیاهو را اظهاراتی درست و منطقی ارزیابی کرده و از این فیلمساز در مواجهه با افراطیون یهودی دفاع کرد.

لوچ که با نشریه ورایتی صحبت می کرد، گفت که احترام بسیار زیادی برای گلپیز قائل است و از او به عنوان انسانی شجاع اسم برد که تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای رسمی اسرائیل قرار گرفته و با صحبت‌هایش در چپه و سمت و سوی درست ایستاده است.

این فیلمساز چپگرای انگلیسی در ادامه چنین می گوید: «من به خوبی می دانم که گلپیز زمان صحبت های ضدصهیونیستی خود، کاملا متوجه عواقب احتمالی آن بوده است و بر همین مبنایب به سخن گشوده است.

به باور من، این نکته از او انسانی شجاع می سازد و به همین خاطر، باید بگویم احترام بسیار زیادی برای او و کارش قائل هستم».

اشاره لوچ به صحبت های ضدجنگ جاناتان گلپیز بعد از دریافت جایزه اسکار برای «منطقه حفاظت شده» و اظهارات بعدی اش در مصاحبه با رسانه های مختلف است. گلپیز که داستان فیلمش در باره کوره های آدم سوزی آلمان هیتلری در دوران جنگ جهانی دوم است، کشتار اهالی غزه توسط دولت بنیامین نتانیاهو را با قتل عام های هیتلر در زمان جنگ مقایسه کرده و از قتل عام مردم غزه با عنوان نسل کشی آگاهانه و سیستماتیک اسم برد.

این اظهارات خشم افراطیون در داخل اسرائیل را برانگیخت و آنها اتهامات زیادی به گلپیز زدند.

کن لوچ دفاع از فیلمساز ضد جنگی همچون گلپیز را وظیفه تمام هنرمندان متعدد دنیا دانست و گفت باید با جنگ طلبی و نسل کشی با هر نام و عنوانی مبارزه کرد. او این مبارزه را وظیفه مهم هنرمندان متعهد دانست و گفت چنین مبارزهای هم با تولید فیلم های اصیل امکان پذیر می شود و هم با موضع گیری های صریح و شفاف اجتماعی که از طریق گفت وگو و سخنرانی ابراز می شود.



لوچ در عین حال به حمایت هنرمندان و مردم یهودی ضدجنگ که مخالف سیاست های جنگ طلبانه نتانیاهو هستند و از گلپیز حمایت قاطع کرده اند، اشاره کرد و گفت این مسأله نشان می دهد که حتی یهودی های آگاه هم علیه جنگ افروزی و نسل کشی خشنی هستند که اکنون در غزه ادامه دارد.

این نخستین بار نیست که کن لوچ اظهارات ضد جنگ خود را در رابطه با جنگ غزه به زبان می آورد. او مدتی قبل و در جریان برگزاری مراسم اهدای جوایز بیفتا (اسکار انگلیسی) هم از تریبون این برنامه استفاده کرد و اعتراض خود علیه لشکرکشی نظامی به غزه و کشتار مردم بی دفاع و زنان و کودکان را بیان کرد.

جمله معروف و کوبنده او «کشتار مردم را متوقف کنید» که با احساس خاصی به زبان آورد، بازتاب عظیمی در رسانه های گروھی و شبکه های اجتماعی داشت.

رسول صدرعاملی، مرتضی شایسته و علی اکبر تقفی با دریافت پروانه ساخت از سازمان سینمایی در تدارک ساخت فیلم هستند. پس از پایان تعطیلات نوروزی، پروانه ساخت و نمایش چند فیلم سینمایی در شورا های مربوط صادر شده که در میان آنها نام برخی تهیه کننده ها و کارگردان های با سابقه سینما هم دیده می شود. براساس اطلاعات منتشرشده در سایت سازمان سینمایی، اخیرا برای فیلمنامه ای به نام «زیبا صدایم کن» به تهیه کنندگی مازیار

رسول صدرعاملی فیلم جدید می سازد

مستند «قوبدل» به کارگردانی علی فراهانی مدر و تهیه کنندگی سیدالهی از بهترین فیلم های بخش مسابقه ملی (بلند) و جایزه شهید آوینی بود که با تحسین تماشاگران همراه شد و هفدهمین جشنواره حقیقت را با دریافت پنج جایزه به پایان رساند. یکی از این جایزه ها به قهرمان، فیلم احمد قوبدل رسید که با تصمیم دبیر، تندیس جشنواره و جایزه نقدی ۳۵ میلیون تومانی را دریافت کرد. قوبدل به دلیل بیماری پسرخوانده اش، پایش به پرونده خون های آلوده کشور فرانسه باز شد و به مرور آن قدر درگیر این ماجرا شد که به نمایندگی از شاکیان پرونده، برای احقاق حقوق بیماران عزمش را بر جزم و کشش اهتین پوشید. نام فیلم هم برگرفته از شخصیت قوی و خستگی ناپذیر اوست. او به دلیل درگیری مدام در این پرونده، تصمیم می گیرد تحصیلاتش را در رشته حقوق ادامه دهد و بعد با پی بردن به اهمیت کار رسانه در بازتاب حقایق پرونده، سراغ تحصیل در رشته روزنامه نگاری رفت. در حالی روایت این فعال مدنی و رئیس سابق انجمن هموفیلی رسانه ای شد که چندی پیش نازنین فرزادی فر، مدیرعامل کانون هموفیلی از بازگشایی دوباره این پرونده و ثبت شکایت از شرکت فرانسوی واردکننده خون آلوده خبر داد. از این رو: اگران این مستند موجب شد به سراغ گفت وگو با علی فراهانی مدر، کارگردان این مستند برویم.



نسرین بختیاری آگروه فرهنگ و هنر

[۱] چه شد که بعد از ساخت مستندهایی تاریخی نظیر «آسوده خواب کورش» سراغ ساخت مستندی رقیبت که زمینه های اجتماعی و بهداشتی و بارروانی برای خانواده های درگیر خون های آلوده دارد؟

تاریخ همیشه برایم جذابیت داشته، چون تاریخ را می خوانیم که عبرت بگیریم و رو به جلو حرکت کنیم. به طور کلی از ابتدا برای انتخاب موضوع های تاریخی به این توجه می کردم که چه فایده ای برای امروز جامعه دارد. بنابراین، موضوعاتی که رویتین و در حد تاریخ نگاری صرف بود را انتخاب نمی کردم.

درواقع قوبدل هم نوعی مستند تاریخی است که معاصرتر است. دلایل انتخاب موضوع این بود چیزی را از دل تاریخ

انتخاب کنیم که رو به جلو باشد. این بار به سمت فضای مطالبه گری پیش رفتم تا در اوضاع بحرانی جامعه، تکلیف مردم و شخصی که برای خودش رسالت انسانی در نظر

می گیرد، مشخص شود.

حقیقت نبوده؛ یعنی این طور نبود که بگویم مقداری دارو از فرانسه آمد و مردم را آلوده کرد و تمام شد. مقصود ما این بود که بررسی کنیم داخل ایران چه اتفاقی افتاده است. وقتی پرونده را شروع کردم،م، هر بخشی را ورق می زدیم، با نام احمد قوبدل رویه رو می شدیم. در ادامه، با احمد قوبدل جلسه ای برگزار کردیم و به آرامی

هاشمی و کارگردانی رسول صدرعاملی پروانه ساخت صادر شده است. اگرچه صدرعاملی در سال های ۱۴۰۱ و ۱۳۹۸ تهیه کنندگی دو فیلم «جنگل پرتقال» و «شنای پروانه» را برعهده داشت اما آخرین فیلمی که خودش کارگردانی کرده، به حدود هفت سال قبل برمی گردد که «سال دوم دانشکده من» را ساخت. به جز این فیلمساز، یک پروانه ساخت هم برای علی اکبر تقفی صادر شده که قرار است به تهیه کنندگی و کارگردانی خودش فیلمی را با نام

در گفت وگویی «جام جم» با کارگردان قوبدل مطرح شد

الگوی مطالبه گری در چارچوب قانون



[۱] چقدر فرایند ساخت این مستند طول کشید و چقدر تحقیق کردید تا به فیلمنامه ای منسجم برسید؟

اواخر سال ۹۸ و همزمان با شیوع بیماری کرونا، اتفاقاتی در جامعه افتاد و علی رستم آبادی، نویسنده پروژه به موضوع داروهای آلوده سال ۶۱

اشاره کرد و از تکرار آن در کرنا نگران بود. در رابطه با داروهای آلوده سال ۶۱، عده ای می گفتند شایعه است و عده ای کاملا آن را رد می کردند. در آن سال اتفاق های تلخی افتاد و ما با این رویکرد که سرویوش گذاشتن روی اتفاقات کوچک منجر به بحران های بزرگ می شود، سراغ این سوزه رفته و تصمیم گرفتیم روی این موضوع کار کنیم. از گوشه و کنار شنیده بودیم، لزوما آنچه که رسانه ها درباره پرونده داروهای آلوده منعکس کردند، تمام

نداریم و به قدری برای ما تلخ است که نمی توانیم در این رابطه کمدی کار کنیم اما فکر می کنم نسل ۲۰ سال آید اتفاقات کرونا را با کمدی سیاه پیه ای می آورد. شاید این طور بتوانیم کار کنیم که با خود واکسن شروع شود که چرا این قدر دیر به دست مردم می رسد. بخشی از اینها می تواند سیاسی و بخشی هم اجتماعی باشد و فیلمساز هم می تواند نگاه کمدی انتقادی به این موضوع داشته باشد، چون

برش

تجربه گرایی در سینمای مستند

بیشتر کارهای من فرم تجربی دارد و خیلی نگران بودم که حتی به جشنواره راه پیدا نکند و دیده نشود اما خوشبختانه هم در جشنواره موفق شد و هم امیدوار شدم؛ چرا که اگر برای مردم داستان تعریف کنیم، آنها توجه می کنند و بعد گفت وگو شکل می گیرد. من حتی یک نظر منفی هم از فیلم نداشتم و امیدوارم سینمای مستند به کارهای تجربی و جدید روی بیاورد. قوبدل در ایران تازگی دارد، اما شبیه به این مستند در آکادمی اسکار وجود دارد که موفق می شود و به همین دلیل آمار دیدن مستند در دنیا خیلی بیشتر از ایران است.



من فکر می کنم در این میان بیننده فیلمی را ترجیح می دهد که بین این دو سینما قرار بگیرد به این معنا که فیلم کمدی نباشد اما اثری شاد و امیدبخش است و در عین حال به شکلی کاملا واضح سراغ مسائل اجتماعی نمی رود.

وی گفت، وقتی فیلم در سالن های سینما اکران می شود از امنیتی نسبی برخوردار است و از طرفی تجربه تماشای فیلم در سالن سینما بسیار متفاوت تر از فیلم دیدن در خانه است. در اکران آنلاین با وجود این که طیف مخاطبانش بسیار گسترده تر است اما متأسفانه نمی توان از پتانسیل کامل آن استفاده کرد؛ چرا که فیلم ها بلافاصله پس از اکران قاچاق می شود و هیچ سازوکار مناسبی وجود ندارد که جلوی این اتفاق را بگیرد. فیلم «رمانتیسیم عماد و طوبا» خیلی زود قاچاق شد و این نشان می دهد که پلتفرم های ما در حوزه امنیت نیاز به پیشرفت دارند تا حداقل فیلم ها با این سرعت قاچاق نشود.



«مومو» بسازد. «برای رعنا» نام فیلمی است که پروانه ساخت آن به تهیه کنندگی مرتضی شایسته و کارگردانی ایمان آقا محمدحسین یزدی صادر شده است. همچنین فریدون نجفی قرار است به تهیه کنندگی محمد کمالی پور فیلم «خانی» را کارگردانی کند. در کنار پروانه ساخت، پروانه نمایش برای برخی فیلم های کوتاه و بلند نیز صادر شده که از میان آنها به «صبح اعدام» بهروز افخمی می توان اشاره کرد. / جام جم

وقتی از فضای تیره و ترازدی دور می شویم، ذهن به بلوغی می رسد که می تواند با آن مسأله شوخی کند. در حین بیمار شدن ایدزی هادر آن زمان، عده ای می آمدند و فقط پس زمینه ضد غربی به خودشان می گرفتند و مسأله را به گردن غرب می انداختند و از این طرف بعضی مسائل را در داخل کشور پنهان می کردند: فکر می کنم اساسا این فراکنی یک کمدی تلخ بسیار بزرگ است که حتی جواب آزمایش را برای این که استفاده دیگری از آن کنند، پنهان می کردند. ما می توانیم نگاه کمدی داشته باشیم؛ به شرطی که زمان گذشته باشد و مخاطب آن را نبیند. در حین کار وقتی مباحث ناموسی مطرح می شد یا بیماری فوت می کرد، به هیچ عنوان با این مسائل شوخی نکردیم. معمولاً در بخش هایی از این مستند از شوخی استفاده می شود که مربوط به خود احمد قوبدل است. به عنوان مثال در بخش هایی که قوبدل در سنین بالا به دانشگاه می رود و مطلبی را که می گویند نباید منتشر شود را منتشر می کند، طنز به کار رفته است. به وجود آمدن فضای طنز به خود سوز و دیدگاهش نسبت به بحرانی که برایش ایجاد شده هم خیلی مرتبط است. آقای قوبدل از موضوع خون های آلوده گذر کرده بود و به همین دلیل می توانستیم کمدی کار کنیم.

[۲] شخصیت احمد قوبدل به گونه ای است که هرگز خسته نمی شود و در

بخش هایی که به نظر می رسد موضوع مسکوت مانده و قفل است، می تواند برای جوانان امروز که درگیر مشغله های مختلفی هستند، گرامد

با الگو باشد؟

مستند قوبدل الگوی مطالبه گری در چارچوب ایران و جمهوری اسلامی را معرفی می کند، یعنی شما در ایران می توانید چنین کاری انجام دهید؛ گرچه در صحنه هایی از مستند قوبدل نشان داده می شود که سندی از پرونده سرقت یا جعل و منتشر می شود و بی قانونی هایی وجود دارد، اما شخصیت آقای قوبدل خیلی نتیجه گر است و در چارچوب ها به خواسته خود تا حدودی می رسد. این روحیه می تواند الگوی

[۳] با توجه به این که آقای قوبدل روزنامه نگار و حقوق دان بود؛ چقدر توانست به شما برای پیدا کردن روزنامه های مرتبط با پرونده خون های آلوده کمک کند؟

آقای قوبدل تمام اسناد را طبقه بندی کرده و نگه داشته است و ما حدود ۵۰۰ صفحه سند از اتفاقات پرونده داروهای آلوده داشتیم و هیچ بخشی از اتفاقاتی که داخل مستندی افتد، بدون سند نیست. در مورد زندگی شخصی آقای قوبدل هم شاهدان عینی داشتیم که ما همه آنها صحبت کردیم. نکته مهم آن است که به روایتی که خود آقای قوبدل طی می کند، به شکل واقع گرانه نبرداختیم؛ یعنی جایی که نیاز بود، ما چند سند ارائه دادیم، چون مسأله ای را بیان می کردم که نباید تبدیل به انگ و نهمت شود. این اسناد برای مردم مهم است و اگر در نظر بگیریم که بزرگ ترین الگوی بشر قصه و داستان است، تمام مسائل حل خواهد شد. در تمام کتب آسمانی برای انتقال پیام و یا مفهوم از داستان استفاده می شود و ما بیشتر سوره هایی از قرآن را به یاد داریم که برای ما داستان تعریف می کند. بنابراین، وقتی الگوی بشر داستان است، نیازی نداریم به سمت اسناد ژورنالیستی برویم یا این که فقط خبر تهیه کنیم، من در این کار تلاش کردم بیشتر قصه گو باشیم تا این که به اسناد ژورنالیستی صرف بپردازیم.

[۴] شما در مستندتان به نقش و اهمیت رسانه ها و جریانی که می توانید در رابطه با مسائل اجتماعی مثل خون های آلوده بفراپینند هم اشاره کردید. کمی در این رابطه توضیح دهید.

در انتهای مستند و سکانس آخر که یکی از طولانی ترین سکانس هاست، این رسانه است که کار را تمام می کند و به گفته خود آقای قوبدل، این پرونده روی دوش رسانه رفت و پیروز شد. این خیلی مهم است که نقش رسانه در پیشبرد این قبیل پرونده ها چطور می تواند باشد.

[۵] نگاه شما به عنوان یک کارگردان چقدر با زمانی که هنوز این مستند را نساخته بودید، متفاوت شده و چه تجربه ای به شما اضافه شد؟

معمولاً فیلمساز هرکاری که انجام می دهد به بلوغی می رسد که موجب رشد او خواهد شد. مستند قوبدل هم خیلی تگرش و جهان بینی من را تغییر داد و حتی گاهی پیش می آمد که دوربین را ها می کردم و با آقای قوبدل گفت وگویی می کردم.

دیدگاه

ماندگاری «وعده صادق» در قالب فیلم

خیرا... تقیانی پور کارگردان فیلم سینمایی «قلب رقه» با اشاره به تحقق وعده صادق و عملیات نظامی ایران بیان کرد که باید درسی به صهیونیست ها دادیم که بفهمند امنیت خط قرمز ما است.



تقیانی پور درباره به تصویر کشیدن این اتفاق در قالب درام و سینما عنوان کرد؛ این اتفاق بخشی از تاریخ کشور ما است و دیر یا زود این حماسه هم تصویری می شود. ما اسطوره ای داشته ایم به نام آرش که تیری را پرتاب می کند تا مرزهای کشور را تثبیت کند. ما فراتر از مرزهای ما تیر انداختیم و این در تاریخ ماندگار می شود که عده ای این گونه پاسخ تجاوز به خاک شان را دادند. این اتفاق بخشی از تاریخ معاصر ما است و حتماً قالب فیلم و سینما هم ماندگار خواهد شد. وی در پایان درباره این تصور که برخی فکر می کنند ساخت فیلم در حوزه مقاومت کافی است، عنوان کرد: از جنگ جهانی دوم چند سال گذشته و هالیوود هنوز درباره آن فیلم می سازد. در صورتی که اگر ما درباره داعش فیلم می سازیم به این دلیل است که همچنان فعالیت دارد یا از جنگ تحمیلی ما آن قدری نگذشته است. / مهر

چهره

بسترهای پخش فیلم امن نیست

کاوه صیباغ زاده، کارگردان فیلم سینمایی «رمانتیسیم عماد و طوبا» که به تازگی به صورت برخط اکران شده، گفت: من فکر می کنم مخاطب به نوعی از فیلم های اجتماعی تلخ اشباع شده و از طرف دیگر سینمای ایران هم کم کم از فیلم های کمدی اشباع شده است و

من فکر می کنم در این میان بیننده فیلمی را ترجیح می دهد که بین این دو سینما قرار بگیرد به این معنا که فیلم کمدی نباشد اما اثری شاد و امیدبخش است و در عین حال به شکلی

کاملاً واضح سراغ مسائل اجتماعی نمی رود. وی گفت، وقتی فیلم در سالن های سینما اکران می شود از امنیتی نسبی برخوردار است و از طرفی تجربه تماشای فیلم در سالن سینما بسیار متفاوت تر از فیلم دیدن در خانه است. در اکران آنلاین با وجود این که طیف مخاطبانش بسیار گسترده تر است اما متأسفانه نمی توان از پتانسیل کامل آن استفاده کرد؛ چرا که فیلم ها بلافاصله پس از اکران قاچاق می شود و هیچ سازوکار مناسبی وجود ندارد که جلوی این اتفاق را بگیرد. فیلم «رمانتیسیم عماد و طوبا» خیلی زود قاچاق شد و این نشان می دهد که پلتفرم های ما در حوزه امنیت نیاز به پیشرفت دارند تا حداقل فیلم ها با این سرعت قاچاق نشود.

قاب



«بی پایان»؛ روایتی سینمایی از پدر موشکی ایران

«بی پایان» به کارگردانی ساسان فلاح فر با نمایش یکی از مهم ترین مقاطع زندگی شهید حسن طهرانی مقدم مقابل دوربین رفت.

در این اثر حمید ابراهیمی نقش شهید طهرانی مقدم را ایفا می کند. «بی پایان» اقتباسی آزاد از یک ماجرای واقعی در رابطه با یکی از پروژه های مهم سرلشکر شهید حسن طهرانی مقدم است.

این فیلم داستانی روایتی متفاوت از پدر علم موشکی ایران است که در محدوده محل شهادت او فیلمبرداری می شود.

بی پایان تولید مرکز هنری رسانه ای مدار است که به زودی در اخبار تکمیلی عوامل آن معرفی خواهد شد.